



The Encounter of Iranian Writers of Travelogue with the Manifestations of New Civilization in Istanbul and Egypt, Emphasizing on Travelogues of Hajj and Sacred Threshold

Narges Mazrouei Sabdani¹ Soheila Torabi Farsani² Shokoooh Alsadat Arabi Hashemi³

1. Ph. D candidate of history of Islam, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
Email: Nargesmazr61@gmail.com
2. Associate professor of history department, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
Email: tfarsani@yahoo.com
3. Assistant professor of history department, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
Email: shokouharabi@gmail.com

Abstract:

Considering that Hijaz was located in the territory of the Ottoman government, Iranian pilgrims used to go there to visit the sacred thresholds and Jerusalem and perform Hajj rituals. In the territory of Ottoman Empire (678 -1341A. H.), especially in Istanbul and Egypt, they witnessed some innovations surprising and wonderful for them, so that they reflected their observations in their writings. These pilgrims tried to share their findings with their countrymen through the travelogues.

The question of this research is to what extent the encounter of Iranian pilgrims with the elements of Western civilization led to new questions in their minds in terms of epistemology. This research done through the descriptive-analytical method and mainly based on the information available in the travelogues and some other research works, has come to the conclusion that the encounter of Iranian pilgrims with the new manifestations of Western civilization was surprise toward cultural, artistic, social and industrial domains that led some of them to transfer this technology to Iran.

Keywords: Iranian pilgrims, Ottoman Caliphate, travelogues, Western civilization, Istanbul, Egypt.

Article Info:

Article type: Research Article

Article history: *Received* November, 28, 2023

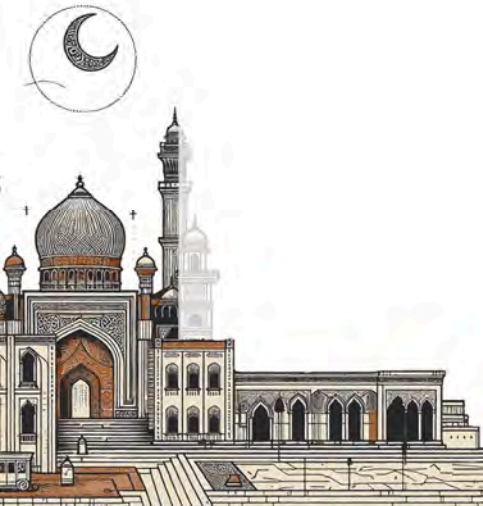
Received in revised form March, 03, 2024

Accepted March, 16, 2024

Published online September, 22, 2024

Cite this article:

Mazrouei Sabdani, N., Torabi Farsani, S., Arabi Hashemi, S. (2024). The Encounter of Iranian Writers of Travelogue with the Manifestations of New Civilization in Istanbul and Egypt, Emphasizing on Travelogues of Hajj and Sacred Threshold. *History of Islam*, 25(3), 171-202. <https://doi.org/10.22081/hiq.2024.67911.2361>



Bagher Al-Olum University



ISSN 2783-414X



مواجهة الرحالة الإيرانيين مع مظاهر الحضارة الحديثة في إسطنبول ومصر مع التركيز على كتب رحلات الحج والعبوات المقدسة

نرجس مزروعى السيداني^١ سهيلا ترابي فارساني^٢ شكوه السادات أعرابي هاشمي^٣

١. طالب دكتوراه التاريخ الإسلامي، جامعة آزاد الإسلامية، نجف آباد، إيران. البريد الإلكتروني: nargesmazr61@gmail.com

٢. أستاذ مشارك، قسم التاريخ، جامعة آزاد الإسلامية، نجف آباد، إيران. (المؤلف المقابل). البريد الإلكتروني: tfarsani@yahoo.com

٣. أستاذ مساعد، قسم التاريخ، جامعة آزاد الإسلامية، نجف آباد، إيران. البريد الإلكتروني: shokouharabi@gmail.com

الملخص:

نظراً لأن أرض الحجاز كانت من ضمن أراضي الحكومة العثمانية، كان الحجاج الإيرانيون يقصدونها لزيارة العتبات المقدسة، وبيت القدس وأداء مناسك الحج. وفي أراضي الحكم العثماني (١٣٤١ق-١٦٧٨)، ولا سيما في إسطنبول ومصر، كان يشاهد هؤلاء الحجاج بعض الابتكارات والاختراعات التي تثيرهم إعجاباً ودهشة حيث عكسوا ملاحظاتهم في كتبهم. وحاول هؤلاء إشراك مواطنيهم في هذه العجائب من خلال كتب الرحلات. يسعى هذا البحث للإجابة على هذا السؤال هو إلى أي مدى أدت مواجهة الحجاج الإيرانيين مع عناصر الحضارة الغربية إلى ظهور أسئلة جديدة في أذهانهم من وجهة نظر المعرفة. وقد توصل هذا البحث المنظم وفق أسلوب وصفي - تحليلي الذي يعتمد بشكل أساسي على المعلومات المتوفرة في كتب الرحلات وبعض الأعمال البحثية الأخرى، إلى أن مواجهة الحجاج الإيرانيين مع المظاهر الحديثة للحضارة الغربية والإعجاب أمام مظاهر الحضارة الجديدة في الأشكال الثقافية، والفنية، والاجتماعية، والصناعية ودفعت بعضهم إلى التفكير في نقل التكنولوجيا إلى إيران.

الكلمات المفتاحية: الحجاج الإيرانيون، الخلافة العثمانية، كتب الرحلات، الحضارة الغربية، إسطنبول، مصر.

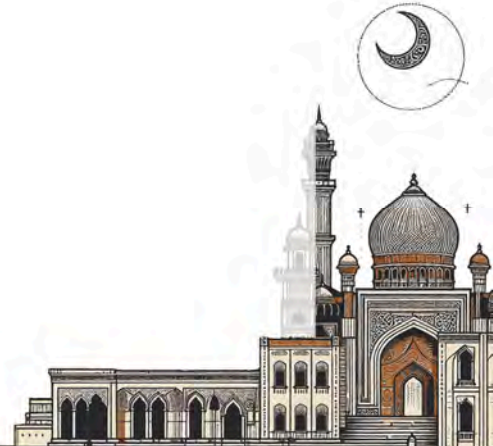
معلومات المقالة:

نوع المقالة: بحثية

تاريخ الاستلام: ٢٠٢٣/١١/٢٨ | تاريخ المراجعة: ٢٠٢٤/٠٣/٠٣ | تاريخ القبول: ٢٠٢٤/٠٣/١٦ | تاريخ النشر: ٢٠٢٤/٠٩/٢٢

استناداً إلى هذه المقالة:

مزروعى السيداني، نرجس؛ ترابي فارساني، سهيلا؛ أعرابي هاشمي، شكوه السادات (٢٠٢٤). مواجهة الرحالة الإيرانيين مع مظاهر الحضارة الحديثة في إسطنبول ومصر مع التركيز على كتب رحلات الحج والعبوات المقدسة. تاريخ الإسلام، ٢٥(٣): ١٧١-٢٠٢. <https://doi.org/10.22081/hq.2024.67911.2361>





مواجهه سفرنامه‌نویسان ایرانی با مظاهر تمدنی جدید در استانبول و مصر با تأکید بر سفرنامه‌های حج و عتبات عالیات

نرگس مزروعی سیدانی^۱ سهیلا ترابی فارسانی^۲ شکوه‌السادات اعرابی هاشمی^۳

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. رایانامه: nargesmazr61@gmail.com

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. (نویسنده مسئول)، رایانامه: tfarsani@yahoo.com

۳. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. رایانامه: shokouharabi@gmail.com

چکیده:

با توجه به اینکه سرزمین حجاز در قلمرو دولت عثمانی قرار داشت، زائران و حجاج ایرانی برای زیارت عتبات عالیات و بیت‌المقدس و انجام مناسک حج، به آنجا رفت‌وآمد می‌کردند. آنها در قلمرو حکومت عثمانی (۶۷۸-۱۳۴۱ق)، به‌ویژه استانبول و مصر، شاهد برخی از نوآوری‌ها و ابداعاتی بودند که دیدن آنها برایشان حیرت‌آور و اعجاب‌انگیز بود و مشاهدات خود را نیز در نوشته‌هایشان بازتاب داده‌اند. این زائران سعی کردند در قالب سفرنامه‌ها، هم‌وطنان خود را نیز در این یافته‌ها شریک کنند.

پرسش این پژوهش، آن است که مواجهه زائران ایرانی با عناصر تمدنی غرب، تا چه حد از نظر معرفت‌شناسی به طرح پرسش‌های جدید در ذهن آنها انجامید. این پژوهش که با روشی وصفی - تحلیلی به‌صورت عمده بر پایه اطلاعات موجود در سفرنامه‌ها و برخی آثار تحقیقاتی دیگر سامان یافته، به این نتیجه رسیده است که مواجهه زائران ایرانی با مظاهر جدید تمدن غرب، شگفت‌زدگی در برابر مظاهر تمدنی جدید در قالب‌های فرهنگی، هنری، اجتماعی و صنایع بود و برخی از آنها را به فکر انتقال فناوری به ایران سوق داد.

واژه‌های کلیدی: زائران ایرانی، خلافت عثمانی، سفرنامه‌ها، تمدن غرب، استانبول، مصر.

اطلاعات مقاله:

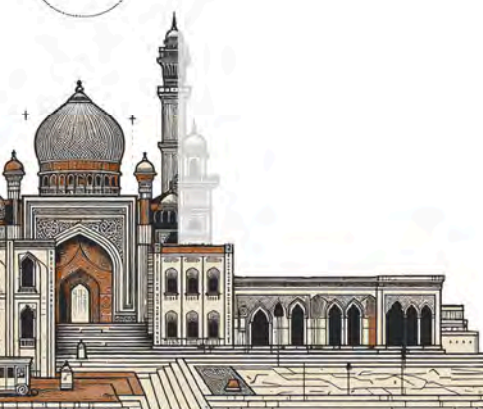
نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۷ | تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۲/۱۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۶ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱



استناد:

مزروعی سیدانی، نرگس؛ ترابی فارسانی، سهیلا؛ اعرابی هاشمی، شکوه‌السادات (۱۴۰۳). مواجهه سفرنامه‌نویسان ایرانی با مظاهر تمدنی جدید در استانبول و مصر با تأکید بر سفرنامه‌های حج و عتبات عالیات. تاریخ اسلام. ۲۵(۳). ۱۷۱-۲۰۲. <https://doi.org/10.22081/hiq.2024.67911.2361>



شاپا الکترونیکی
۲۷۸۳-۴۱۴X



مقدمه

با توجه به اینکه در دوره قاجار (۱۲۱۰-۱۳۴۴ق) روابط ایران و عثمانی بهبود یافته بود، تعداد بیشتری از افراد به حج مشرف می شدند. برخی از آنها به نوشتن سفرنامه می پرداختند.

سفر حج و عتبات عالیات، نه تنها سفر دینی، بلکه سفر گردشگری نیز بود. زائران در مسیر سفر به توصیف راه‌ها، شهرها، اماکن و آثار تاریخی می پرداختند. اغلب شاهزاده‌ها و رجال، از مسیر امن و راحت روسیه و استانبول استفاده می کردند. در این مسیر، زائران ایرانی با دنیای جدید روبه‌رو می شدند که تفاوت زیادی با جامعه ایران داشت. پیشرفت‌های گسترده این سرزمین‌ها، به نوعی باعث آشنایی مسافران ایرانی با افکار و فرهنگ جدیدی می شد. آنها در روسیه برای اولین بار دستگاه برنج‌کوبی، جاده‌های آسفالت‌شده، دفتر رسیدگی به شکایات و جای باکیفیت را مشاهده می کردند و باحیرت به توصیف آنها می پرداختند. از دیگر مناطق مهمی که توجه سفرنامه‌نویسان را جلب کرده، استانبول، پایتخت سلاطین عثمانی بود. آنها اماکن و آثار دیدنی این شهر را مورد بررسی قرار می دادند و به شرح آنها در سفرنامه‌ها می پرداختند. نظام تعلیم و تربیت، کتابخانه، چاپخانه، اماکن تفریحی و صنایع جدید، همه در این سفرنامه‌ها آمده است. در تمام این شرح‌ها، نویسنده‌ها در پی مقایسه پدیده‌ها از لحاظ فرهنگی، اجتماعی، هنری و صنعتی بوده‌اند و بسیار حساسیت به خرج داده‌اند.

در این پژوهش، کوشیده شده است به این پرسش پاسخ داده شود که چه عناصر تمدنی برای زائران ایرانی جذابیت داشته و متوجه آن شده‌اند و در نوشته‌های خود از آن یاد کرده‌اند؟ پاسخ به این پرسش، می تواند نقش مهمی در آشکار شدن قسمت‌های نادیده انگاشته شده از تاریخ سفر حج و زائران ایرانی آن مطرح کند. روش تحقیق در این مقاله، توصیفی - تحلیلی خواهد بود. در این نوشتار همچنین، به بررسی تأثیر مشاهده پیشرفت تمدن عثمانی بر روی زائران حج و عتبات عالیات پرداخته‌ایم و واکنش آنها را بررسی و تحلیل می کنیم.

در زمینه بررسی سفرنامه‌های حج دوره قاجار، پژوهش‌های مختلفی ارائه گردیده است؛ اما پژوهش مستقلی در باره بررسی مواجهه حجاج ایرانی عصر قاجار با مظاهر تمدنی جدید در خلافت عثمانی صورت نگرفته است. پژوهش‌های انجام‌شده، از زوایای دیگر مسئله حج در دوره قاجار را مورد کنکاش قرار داده‌اند. مقاله «سفر زیارتی حج در دوره قاجار بر مبنای





سفرنامه‌های رجال دوره قاجاری» از علی‌اکبر زوار، به بررسی سفرنامه‌های حج رجال دوره قاجار پرداخته و بیشتر به این موضوع که مراسم حج توسط ایرانیان در آن روزگار به چه صورت انجام می‌شد و متأثر از چه عواملی بود، پرداخته است.

مقاله «کاروان‌های حج عثمانی به روایت سفرنامه‌های ایرانی دوره قاجار» نوشته اسرا دوغان، به بررسی وضعیت حجاج ایرانی که با کاروان‌های رسمی عثمانی به حج می‌رفتند، پرداخته و عملکرد دولت عثمانی در خصوص حج را از دید زائران ایرانی نشان می‌دهد. نفیسه واعظ در مقاله «انگیزه‌ها و پیامدهای سفر زیارتی بلندپایگان سیاسی قاجار به عتبات و حج»، به تحلیل انگیزه‌ها و بازخوردهای سفر زیارتی رجال سیاسی ایران پرداخته است. در این مقاله، تأثیر آشتی‌جویانه سفر زیارتی بر روابط ایران و عثمانی و دیگر پیامدها مورد تأمل قرار گرفته است. در این آثار، مظاهر تمدنی حج مورد کنکاش قرار نگرفته است. از این رو، نگارندگان پژوهش حاضر در نظر دارند که با نگاهی متفاوت از سایر پژوهش‌ها، مواجهه سفرنامه‌نویسان ایرانی با مظاهر تمدنی جدید در مسیر حج و عتبات عالیات را تحلیل نمایند. در جدول ذیل، نام، تاریخ سفر، حرفه یا سمت مؤلف و عهدی که نویسنده در آن می‌زیسته، مندرج می‌باشد.

شماره	نام	سال سفر	نام پادشاه	شغل
۱	میرزا علی اصغر خان اعتمادالسلطنه	۱۲۶۳ق	محمد شاه	خوان‌سالار
۲	سیف‌الدوله	۱۲۷۹ق	ناصرالدین شاه	شاهزاده قاجاری
۳	یعقوب میرزا تبریزی	۱۲۸۵ق	ناصرالدین شاه	شاهزاده قاجاری
۴	فرهاد میرزا معتمدالدوله	۱۲۹۲ق	ناصرالدین شاه	حاکم فارس
۵	محمدرضابن عبدالجلیل طباطبایی تبریزی	۱۲۹۶ق	ناصرالدین شاه	روحانی
۶	حسام‌السلطنه	۱۲۹۷ق	ناصرالدین شاه	حاکم خراسان
۷	میرزا عبدالحسین خان افشار ارومی	۱۲۹۹ق	ناصرالدین شاه	نظامی
۸	میرزا محمدحسین فراهانی	۱۳۰۲ق	ناصرالدین شاه	وزیر





روحانی	ناصرالدین شاه	۱۳۰۳ق	رحمت‌الله‌بن ملا عاشور بخارایی	۹
سیاست‌مدار	ناصرالدین شاه	۱۳۰۴ق	ابوالحسن خان فخرالملک	۱۰
روحانی	ناصرالدین شاه	۱۳۰۵ق	محمد معصوم نایب‌الصدر شیرازی	۱۱
شاعر	ناصرالدین شاه	۱۳۰۵ق	میرزا عبدالمجید محمودبن عبدالکریم سقزی مجدی	۱۲
عارف	ناصرالدین شاه	۱۳۰۶ق	حاج محمدعلی پیرزاده ناینی	۱۳
خاندان اشرافی	ناصرالدین شاه	۱۳۰۹ق	بانو علویه کرمانی	۱۴
خان	ناصرالدین شاه	۱۳۱۰ق	سلیم خان تکابی	۱۵
عالم	مظفرالدین شاه	۱۳۱۵ق	ملا ابراهیم کازرونی	۱۶
روحانی	مظفرالدین شاه	۱۳۱۵ق	میرزا حسن موسوی اصفهانی	۱۷
صدر اعظم معزول	مظفرالدین شاه	۱۳۱۶ق	میرزا علی اصغر خان امین الدوله	۱۸
-	مظفرالدین شاه	۱۳۱۷ق	مؤلف ناشناخته	۱۹
وزیر	مظفرالدین شاه	۱۳۱۷ق	ناصرالسلطنه میرزا نصرالله طباطبایی دیبا	۲۰
حاکم خوزستان	مظفرالدین شاه	۱۳۱۹ق	حاجی عبدالله امیر نظام قراگوزلو	۲۱
روحانی	مظفرالدین شاه	۱۳۱۹ق	رئیس‌الذکرین	۲۲
وزیر داخله، عدلیه و مالیه	مظفرالدین شاه	۱۳۲۱ق	میرزا محمود خان مدیرالدوله	۲۳
وزیر وظایف آستان قدس رضوی	مظفرالدین شاه	۱۳۲۲ق	میرزا داود حسینی	۲۴
حاکم کردستان	مظفرالدین شاه	۱۳۲۲ق	حسین خان مهاجرانی همدانی	۲۵
عالم اهر	احمد شاه	۱۳۲۸ق	میرآقا نقیب‌الشرف اهری	۲۶





مواجهه سفرنامه‌نویسان حج با عناصر تمدنی جدید

مسیرهای سفر حج برای حجاج ایرانی، از چهار طریق بوده است:

- راه شمال که از روسیه و استانبول گذر می‌کردند؛

- راه دریایی از بنادر جنوبی ایران به جدّه؛

- راه مصر که از آن طریق به مکه می‌رفتند؛

- و راه شام برای کسانی که در ابتدا قصد انجام زیارت عتبات عالیات را داشتند.^۱

مردم ایران، از جمله مسلمانانی بودند که هر ساله به سفر حج می‌رفتند. برخی از حجاج، مشتاق بودند تا خواننده را در جریان کامل آنچه می‌بینند، بگذارند. نه تنها اشراف قاجاری، بلکه برخی از طبقات دیگر از جمله دانشمندان و عالمانی هم که به تدریج با ادبیات سفرنامه‌نویسی آشنا شده بودند، دست به نگارش سفرنامه زدند. طبیعی است که سبک و سیاق هر کدام از این سفرنامه‌ها، بسته به دانش و شغل نویسنده، متفاوت با دیگران بوده و هر کدام از منظر خاص خود به آنچه در اطرافشان می‌گذشت، توجه نموده، آنها را ثبت می‌کردند. ایران آن روزگار در قیاس با روسیه، استانبول و حتی آنچه در قاهره روی داده بود تا حدودی توسعه نیافته بود. زائر ایرانی که به این سفر می‌رفت، این تفاوت را به سرعت درمی‌یافت و در برخی مواقع، به گزارش آنها می‌پرداخت. نخستین احساسی که به او دست می‌داد، شگفت‌زده می‌شد و سپس، بابت وضعیت ایران متأسف می‌گشت.

آگاهی‌هایی که زائران از طریق سفر حج و عتبات عالیات از مدنیت پیدا کردند، در واقع، الگویی از ترقی را در برابر آنها قرارداد که کاملاً با اندیشه و فرهنگ سنتی آنها مغایرت داشت. رویارویی با تمدن غرب، باعث ایجاد پرسش‌هایی در ذهن زائران می‌شد. از این رو، علل و عوامل ترقی و اقتدار کشورهای توسعه‌یافته و ضعف و انحطاط ایران، در نوشته‌های معدودی از سفرنامه‌نویسان حج دوره قاجار انعکاس یافت. واکنش این زائران به آنچه با آن مواجه می‌شدند، کمتر پذیرا و بیشتر دفعی بود. بخش عمده‌ای از توصیف‌های سفرنامه‌نویسان این دوره، وصف مظاهر تمدن جدید و وسایل و اختراعاتی است که در آن زمان هنوز به ایران راه پیدا نکرده است. این تأثیرات عناصر تمدنی جدید که سفرنامه‌نویسان از آنها در سفرنامه‌های خود شرح و توصیف کرده‌اند، در چهار بخش: فرهنگی، هنری، اجتماعی و اقتصادی به آن پرداخته می‌شود.

۱. رسول جعفریان، پنجاه سفرنامه حج قاجاری، ج ۱، ص ۲۴.





الف. مواجهه زائران ایرانی با تجدد فرهنگی

نخستین چاپخانه‌ای که وجود آن در دوره قاجار مسلم است، چاپخانه‌ای است که در ۱۲۳۳ق به دستور عباس میرزا (م. ۱۲۴۹ق) ایجاد شد.^۱ چاپخانه‌هایی که تا ۱۲۴۰ق/۱۸۲۴م در ایران احداث شده بودند، عمدتاً در تبریز قرار داشت و حتی پایتخت حکومت قاجاری نیز از این فناوری محروم بود. بنابراین، برای برخی از زائران، این صنعت ناشناخته به شمار می‌آمد. ترسایه‌خانه، محلی بود که کارخانه‌های کشتی‌سازی، قایق‌سازی، کالسکه بخار و صنایع دیگر در آن قرار داشت. سقزی مجدی^۲ (م. ۱۳۴۴ق) با مشاهده این صنعت در استانبول، متحیر گشت و نوشت:

«ترسایه‌خانه، کارخانه‌جات بسیار وسیعی دارد... مطبعه بزرگی در این

ترسایه‌خانه است. انواع کتب از هرگونه علوم و صنایع در آن طبع می‌شود. پس از

گردش و تماشای زیاد که به جز حیرت نداشت، به میدان وسیعی آمدم.»^۳

امیرنظام قراگوزلو^۴ (م. ۱۳۳۴ق)، در سفرنامه مکه خود، با دیدن ماشین تحریر در

استانبول غبطه خورده و نوشته است:

«رئیس بانک امپریال اتومات اسلامبول، ماشین خط‌نویس داشت. آورد برای

جناب شیخ و یک صفحه یادگار برای من نوشت. این، همان ماشینی است که در

تمام آفیس‌های اروپا است.»^۵

در دوره قاجار، با اینکه در ۱۳۰۵ق/۱۸۸۸م عده‌ای صنعتگر برای تحصیل و

فراگیری فنون، از جمله کاغذسازی به روسیه اعزام شدند،^۶ ولی به دلایلی این

صنعت در ایران رونقی نگرفت و در دوره ناصری (۱۲۶۴-۱۳۱۴ق) برای چاپ

۱. محبوبی اردکانی، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۱، ص ۲۱۱.

۲. ادیب و شاعر اهل سنت.

۳. سقزی مجدی، سفرنامه مکه و عتبات، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۵، ص ۵۷۵.

۴. معروف به حاجی عبدالله خان قراگوزلوی لنگاهی همدانی، یکی از سرکردگان لشکر در دوران مظفرالدین شاه (۱۳۱۴-۱۳۲۴ق) بود.

۵. امیرنظام قراگوزلو، سفرنامه مکه معظمه، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۷، ص ۱۸۵.

۶. بامداد، شرح رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، ج ۲، ص ۲۵.





کتاب از کاغذهای وارداتی استفاده شد.^۱ فرهاد میرزا^۲ (م. ۱۳۰۵ق)، از کارخانه کاغذ در مصر دیدن کرده و از اینکه مصر این صنعت را به کشورش منتقل کرده و در آن خودکفا شده، مبهوت مانده است:

«به چاپخانه کاغذگرخانه رفتیم. حسن بیک، ناظر کاغذخانه، خودش به فرنگستان رفته و آنجا یادگرفته... از پوست درخت موز و از علق حلفه نیز کاغذ ساخته‌اند. حالا ولایت مصر، محتاج به کاغذ نیست.»^۳
با توجه به اینکه کتابخانه‌های ایران دارای سبک سنتی بودند، سیف‌الدوله^۴ (م. ۱۳۳۹ق) که در دوره ناصری با مشاهده کتابخانه‌هایی در استانبول و مواجهه با سالن مطالعه، اظهار شگفتی کرده است، آن را بدین گونه تشریح می‌کند:

«انواع کتب از هر علمی در آن خانه به طوره‌ای خوش گذارده‌اند. این خانه، متولی و موقوفات مخصوص دارد. به جهت روشنایی و خدمت، هرکه بخواهد، به این کتابخانه‌ها می‌رود و مطالعه می‌کند. اگر خواهد، استکتاب می‌کند. بردن کتاب به خارج، ممنوع است.»^۵

کتابخانه قاهره که همان کتابخانه مشهور به دارالکتب است، توجه ناصرالسلطنه^۶ (م. ۱۳۱۷ق) را به خود جلب کرده است؛ به‌ویژه اتاقی که به کتاب فارسی اختصاص یافته بود:

«یک اتاق مخصوص کتب ایران و خطوط آن است. از همه کتاب‌ها، آنهایی که اغلبی اسم شنیده و خود ندیده بودم، آنجا دیدم. خط میرعماد و درویش و شفیعا و رشیدا و غیره و غیره، از خوشنویس‌های ایران بود.»^۷

۱. فلور، تاریخ کاغذ در ایران، ص ۱۴۱.

۲. سیاست‌مدار برجسته دوره قاجار.

۳. معتمد الدوله، سفرنامه مکه، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۳، ص ۱۴۱.

۴. از فرزندان فتحعلی‌شاه.

۵. سیف الدوله، سفرنامه مکه، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۲، ص ۶۶.

۶. از کارگزاران دولت قاجار و وزیر مظفرالدین شاه.

۷. ناصرالسلطنه، سفرنامه مکه - فرنگ ناصری، به کوشش: رسول جعفریان، ص ۵۹۸.





در دوران قاجار، بستری برای تعلیم و تربیت در نظام آموزشی و پیدایش مدارس جدید ایجاد شد. این امر، سبب شد زائران در مسیر سفر، توجه خاصی به وضعیت مدارس داشته باشند.

حسینی طباطبایی تبریزی^۱ در دوره ناصری با مشاهدات عینی خود از وضعیت مدارس استانبول به این نتیجه رسیده که پیشرفت دولت عثمانی، نتیجه توجه بر تأثیر مدارس مختلف است:

«دولت علیّه عثمانی از وقتی که خود را داخل دول متمدنه کرده، این امر را خوب ملتفت شده که ترقی ملک و ملت، از تعلیم علوم و فنون به اطفال مملکت و استقرار قوانین مدنیت حاصل خواهد شد. همین است که مدارس گوناگون در السنه و فنون مختلفه در هر ولایت بنا کرده و متحمل مخارج زیاد می‌شود.»^۲

همچنین وی در مصر، از مشاهده مدرسه‌ایی که جهت اطفال نابینا تأسیس شده بود، شگفت‌زده شده است.^۳ البته با وجود این گزارش‌ها، همچنان تأسیس مدارس نوین در ایران، با چالش‌های جدی مواجه بود. شاهزاده حسام‌السلطنه^۴ (م. ۱۳۰۰ق)، بادقت از مدارس استانبول دیدن کرده است و باکمال حیرت، امکانات یک مدرسه را شرح داده است:

«به اتاق فنکراف سخن رفتیم که از روی تشریح اجزا و آلات گوش، اسبابی اختراع کرده بودند که همان صوت و لهجه شخص را در آن اسباب ضبط می‌نمود و باز به همان صوت و لهجه، کلمات پس می‌دادند که گویا خود آن شخص سخن می‌گوید و این اسباب، از صنایع غریبه است.»^۵

نیاز به اطلاعات و فراگیر شدن آموزش، باعث شد برخی از دولتمردان به فکر راه‌اندازی مرکزی برای جمع‌آوری و نگهداری کتاب‌های علمی و پژوهشی بیفتند. با وجود آنکه در ایران تأسیس کتابخانه‌های بزرگ قدمت بسیاری داشت، ولی به دلیل گسست فرهنگی در دوره

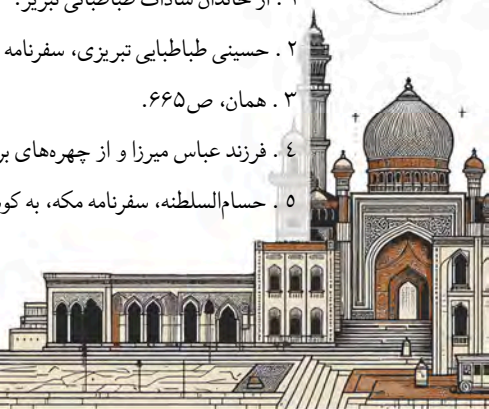
۱. از خاندان سادات طباطبائی تبریز.

۲. حسینی طباطبائی تبریزی، سفرنامه مکه، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۳، ص ۶۴۲.

۳. همان، ص ۶۶۵.

۴. فرزند عباس میرزا و از چهره‌های برجسته قاجاری.

۵. حسام‌السلطنه، سفرنامه مکه، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۴، ص ۲۳۸.





قاجار، رویارویی با کتابخانه‌های مدرن باعث حیرت زائران ایرانی می‌شد. بخشی از توصیف‌های سفرنامه‌نویسان در باره مواجهه آنان با امور فرهنگی جدیدی همچون: صنعت چاپ و تولید کاغذ و کتابخانه و مدرسه بود.

در این بخش، نمونه‌هایی از حیرت در مقابل عناصر فرهنگی تمدنی جدید طرح می‌شود که حاکی از صرف رویه ظاهری این مواجهه است؛ اما از قرار ظاهر به این امر وقوف ندارند که تشبه به فرهنگ و تمدن غربی، مستلزم جابه‌جایی بنیان‌کنی در همه ارکان جامعه ایران است؛ برای مثال، ماشین تحریر، موجب از میان رفتن قشر کاتب و منشی خوش‌نویس می‌شد و دستگاه چاپ، سبب از دور خارج شدن نساخان می‌گردید. مدرسه به سبک جدید، نه تنها قشر روحانی را از اعمال نظر و اراده در امر فرهنگ عمومی محروم می‌کرد، بلکه سپهر معرفتی به‌کلی متفاوت و در غالب موارد کاملاً متضادی با آنچه تا آن روزگار معمول بود، به همراه می‌آورد. این نیز به‌نوبه خود به تعمیم گفتمان‌های نوینی دامن می‌زد که توقع و خواست جامعه را دگرگون می‌کرد و مطالباتی را در ذهن مردم برمی‌انگیخت که طیفی گسترده از موضوعات را از حریم کوچک خانواده تا چگونگی حکمرانی سیاسی در کشور دربر می‌گرفت.

ب. مواجهه زائران ایرانی با تجدد هنری و معماری

یکی از موارد نادر شکل‌گیری مقایسه ذهنی زائران ایرانی، مشاهده برخی ساختمان‌ها بود. زائران ایرانی با دیدن ساختمان‌های مجلل، زیبایی آنها را ستایش کرده‌اند. سقزی مجدی که در سال ۱۳۰۵ ق به حج مشرف شده، به توصیف استانبول پرداخته است:

«عمارات و بازار و مساجد و بقاع و تکایا و حمامات و سربازخانه‌ها و کارخانه‌جات آن، لاتعد ولا تحصی و در متانت خوبی و استحکام، موجب حیرت‌اند؛ چنان‌که همه مساجد و بقاع و مدفن سلاطین آل عثمان و وزرا و غیرها، تماماً از سنگ مرمر و سایر سنگ‌های معدن بنا شده و قسمی اشکال غریبه و صنعت‌های حجاری و معماری را در آنها به کار برده‌اند که عقل از ادراک آنها قاصر است.»^۱

۱. سقزی مجدی، سفرنامه مکه و عتبات، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۵، ص ۵۶۷.





امین الدوله^۱ (م. ۱۳۲۲ق)، در مورد سبک شهرسازی استانبول می‌نویسد:

«این شهر، به همه جهت، مثل شهرهای فرنگستان رفیع البنا و مزین و پاکیزه است. کوچه‌های قشنگ دارد و عمارات عالیه که همه با سنگ و به طرز جدید است.»^۲

اوغلی بیگ، یکی از محله‌های استانبول بوده که در ضلع شمالی شهر واقع شده و اغلب ساکنان آن، فرنگیان و سفرای خارجه بودند.^۳ سیف الدوله، در توصیف این محله آورده است: «بیگ اوغلی، واقعاً فرنگستان است. وضع عمارات و بازارها، مغازه‌ها همه به همان رسم فرنگستان است. تماشاخانه و فراموشخانه هم در این محله هست.»^۴

حجاج ایرانی از بزرگی و معماری سترگ و ممتاز ابنیه‌ای همچون: مساجد ایاصوفیه، سلطان احمد و سلطان محمد فاتح، اظهار شگفتی نموده‌اند. برخی از سفرنامه‌نویسان ایرانی علاوه بر توصیف این عمارت و بناها، برخی اطلاعات معماری همچون: تعداد ستون‌ها، جنس ستون‌ها، تاریخ ساخت و بازسازی ابنیه را در اختیار خواننده قرار داده‌اند. ایاصوفیه، یکی از بناهای مهم و معتبر تاریخی شهر استانبول است که در سال ۳۶۰م به امر کنستانتینوس ایجاد گردید. این کلیسا، در سال ۱۴۵۳م به تصرف ترکان عثمانی درآمد. آثار مسیحیت آن را محو کردند و آن را به صورت مسجد درآوردند.^۵ میرزا محمودخان مدیرالدوله،^۶ از معماری مسجد مبهوت مانده و گفته:

«چه طرفه مسجدی و چه بنای عالی که تماماً از سنگ سماق بنا شده. پنجاه -

شصت ستون سنگ سماق داشت که چهل ذرع، قد هریک بود.»^۷

۱. صدر اعظم سال‌های نخست سلطنت مظفرالدین شاه.

۲. امین الدوله، سفرنامه مکه، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۶، ص ۴۰۳.

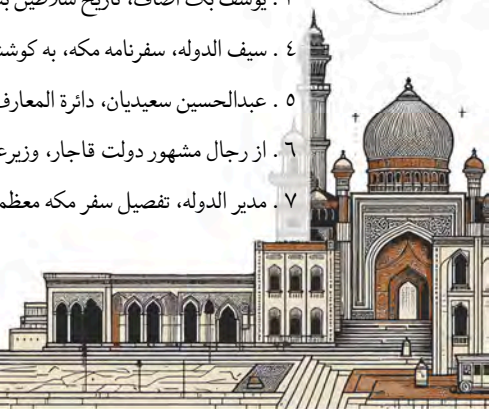
۳. یوسف بک آصف، تاریخ سلاطین بنی عثمان من أول نشأتهم حتی الآن، ص ۲۳.

۴. سیف الدوله، سفرنامه مکه، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۲، ص ۶۱.

۵. عبدالحسین سعیدیان، دائرة المعارف شهرهای جهان، ص ۹۴.

۶. از رجال مشهور دولت قاجار، وزیر عدلیه، داخله و مالیه بود.

۷. مدیر الدوله، تفصیل سفر مکه معظمه، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۷، ص ۳۵۸.





از دیگر بناهای شهر استانبول که توجه حجاج ایرانی را به خود جلب کرده، مسجد سلطان سلیمان است که به دستور پادشاه عثمانی، سلطان سلیمان اول (۹۲۶-۹۷۴ق) در سال ۹۶۳ق ساخته شد.^۱ نقیب الاشراف اهری،^۲ با مشاهده این مسجد نوشته:

«... چه مسجد! عقول و زبان از توصیف و تعریف او عاجز و ابکم است.»^۳

از دیگر مساجد، مسجد سلطان احمد (۱۰۱۲-۱۰۲۷ق) بود که با معماری بی نظیرش، چشم تماشاگران را خیره می‌کرد:

«از مساجد دیگر هم، جامع سلطانی است. در ۱۶۱۰ عیسوی سلطان احمد اول بنا کرده. شش منار، صحن اطراف ایوان و ستون‌های سنگی دارد. این هم، مسجد عالی است.»^۴

سلطان محمد فاتح (۸۵۵-۸۸۶ق)، مسجد جامعی بنا کرد. ساخت این مسجد، در فاصله سال‌های (۸۶۸-۸۷۴ق) به طول انجامید.^۵ مسجد سلطان محمد فاتح، مورد توجه زائران ایرانی قرار گرفته است. دیدگاه مؤلف ناشناخته سفرنامه عتبات و حج در باره مساجد استانبول، قابل تأمل است:

«انصافاً اسلامبول به واسطه این مساجد متعالیه، رونق و شکوهی زائدالوصف دارد.»^۶

تماشای تیکیلی داش، از دیگر عجایب برای سفرنامه‌نویسان ایرانی بوده است:

«از جمله غرایب، تیکیلی داش است که در میدان مشهور آت میدانی، سنگی است مربع و یک پارچه. عرض و طول آن سه گز، ارتفاع هم به همین اندازه. سنگ دیگر، به شکل مخروطی یکپارچه، هفت گز طول گویا دارد. بالای آن سنگ مربع که اطراف حوض مانند است، گذاشته‌اند و به خط مرغی، پاره‌ای از خطوط نوشته‌اند.»^۷

۱. رضا حداد، صفحات من تاریخ الدولة العثمانية، ص ۹۴.

۲. از علمای اهر.

۳. اهری، سفرنامه مکه، به کوشش: رسول جعفریان، ص ۹۱۹.

۴. ناصر السلطنه، سفرنامه مکه - فرنگ ناصری، به کوشش: رسول جعفریان، ص ۶۵۷.

۵. الکیلانی و العمیدی، تاریخ الدولة العثمانية و حوادث، ص ۱۳۶.

۶. مؤلف ناشناخته، سفرنامه عتبات و حج، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۶، ص ۷۹۲.

۷. ناصر السلطنه، سفرنامه مکه - فرنگ ناصری، به کوشش: رسول جعفریان، ص ۶۵۸.



از جمله سازه‌های تاریخی استانبول که نظر حجاج ایرانی را به خود جلب کرده، عمارت تاریخی کوک صو مربوط به دوران حکومت سلطان عبدالمجید (۱۱۸۷-۱۲۰۳ق) می‌باشد:

«کلاه فرنگی، سه مرتبه است... و اسباب زینت اطاق‌ها نیز از جار و چهلچراغ و میز و صندلی و آئینه‌های بزرگ و خوابگاه، از عهد سلطان عبدالمجید خان الی حال، در نهایت تزئین در آنجا موجود است.»^۱

دولمه باغچه، یکی از عمارات معروف سلطنتی است که در زمان سلطان عبدالعزیز (۱۲۹۳-۱۲۷۷ق) ساخته شده و برخی حجاج ایرانی از آن دیدن کرده و بادقت هرچه تمام به توصیف آن پرداخته‌اند:

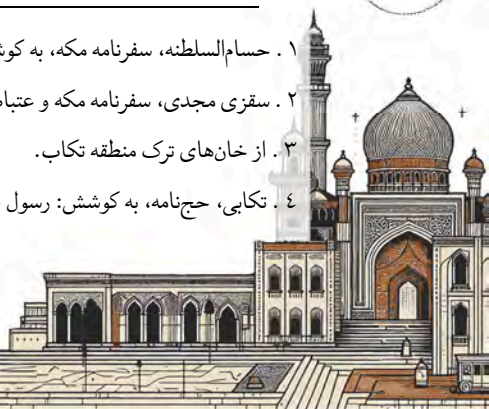
«تمام این عمارت، از سنگ تراش، غرفات و بیوتات و قصور و حیاض و گل‌کاری‌های آن، بی‌نهایت است. از بس که در سقف و در و دیوار و سطح آن، صنایع بدیعه به‌کار برده و چهلچراغ‌ها و گلدان‌های مرصع و پرده‌های زربفت و قطعات به انواع خطوط و پرده‌های تصاویر و میز و صندلی‌های گرانها و آینه‌های بسیار بزرگ و مجسمه‌ها و سنگ‌های قیمتی آویخته و گذاشته و نصب کرده‌اند که هیچ نمی‌دانستیم کدام را ببینیم.»^۲

علاوه بر اینها، در اسکندریه نیز سبک‌وسیاق معماری در چشم زائران ایرانی خودنمایی کرده است. زیبایی میدان محمدعلی پاشا (۱۲۲۰-۱۲۶۵ق) و ساختمان‌های اطراف آن، باعث شده در سفرنامه‌ها به توصیف آن پرداخته شود. سلیم خان تکابی،^۳ باشوروشوق خاصی وضعیت ساختمان‌های اطراف میدان را تشریح کرده است:

«در اطراف میدان نیز همه عمارات عالی پنج‌مرتبه و شش‌مرتبه از سنگ تراش و در کمر عمارات، اشکال مجسمه‌گریه از انسان و دیو و پری و اژدر، رو به میدان ساخته؛ به طوری که شخص خیال می‌کند عمارت را مرتبه‌مرتبه بر شانه آنها گذاشته‌اند و به صورت اعلیحضرت سلطان عبدالحمید و عباس حلمی افندی خدیو حالیه مصر، در کمره و ایوان یک عمارت بسیار عالی تر که اداره حکومت است، تعبیه کرده.»^۴



۱. حسام‌السلطنه، سفرنامه مکه، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۴، ص ۶۴.
۲. سقزی مجدی، سفرنامه مکه و عتبات، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۵، ص ۵۷۳.
۳. از خان‌های ترک منطقه تکاب.
۴. تکابی، حج‌نامه، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۶، ص ۵۲.





افکار زائران پس از برخورد با مدنیت مترقی و جدید و برتر غرب، به چالش کشیده شد. در واقع، این سفر الگویی از ترقی را در برابر آنها قرار داد که در نوشته‌هایشان مشهود است. اگرچه از مردم عادی جامعه کمتر می‌توان انتظار داشت، ولی دولتمردان ایرانی، تنها به تعریف و تمجید از دستاوردهای مدنیت غرب بسنده کرده و گاه به مقایسه پرداخته و در عمل، به دنبال انتقال آنها به ایران نبوده‌اند؛ زیرا در نظام‌های اقتداری، افراد نهایت سعی خود را می‌کنند که خود را با هر شرایط و تفکری وفق دهند؛ برای آنکه در مقام خود باقی مانده و در صحنه سیاست حضور داشته باشند.

ج. مواجهه زائران ایرانی با تجدد اجتماعی

اگرچه جامعه ایران با نمایش‌های سنتی مثل تعزیه و شبیه‌خوانی آشنایی داشت، اما هیچ اطلاعی از تئاتر در ایران نبود؛ تا اینکه با گشایش مدرسه دارالفنون، گام بلندی در شکل‌گیری نمایش و ادبیات نمایشی در ایران به وجود آمد.^۱ سلیم‌خان تکابی نیز در ۱۳۱۰ ق/۱۸۹۳ م از تئاتر استانبول دیدن کرده و آن را باصفاترین سیاحت‌ها نامیده است.^۲ میرزا داود وظایف، از حجاجی است که در استانبول به تماشای تئاتر رفته و آن را شرح داده است:

«اطاقی بزرگ بود که تقریباً ششصد هفتصد صندلی به عرض اتاق، در وسط راهی باریک، دور اتاق سکویی داشت، یک زرع از زمین اتاق بلندتر بود، صندلی و نیم تخت‌های مفصل‌گذارده بودند جلوی صندلی‌ها، یک دسته مطرب نشسته بودند و در بالای آن بازی درمی‌آوردند. اگرچه زبان آنها را نمی‌دانستم، اما خیلی بامزه بود. آخر بازی، همه اهل مجلس دست زدند و برخاسته، رفتند.»^۳

۱. نیایش پورحسین، «تماشاخانه دارالفنونی؛ نخستین تماشاخانه جدید به سبک فرنگستان»، نشریه تئاتر، ش ۴، ص ۷.

۲. تکابی، حج‌نامه، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۶، ص ۴۳.

۳. وزیر وظایف، سفرنامه مکه، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۷، ص ۴۹۲.





سیرک حیوانات، پدیده جالبی برای ایرانی‌ها بوده است و برخی از آنها بخش جالب توجهی از سفرنامه خود را به شرح آنها اختصاص داده‌اند. طباطبائی دیبا در این باره چنین نوشته است:

«سیرک، مقصود شعبده‌بازی و تربیت نمودن بعضی حیوانات و به عبارتی، تله پول است. حیوانات را از اسب و سگ و فیل و غیره، تعلیمات داده‌اند که تا انسان نبیند، باور نخواهد کرد.»^۱

قراگوزلو، سیرک در استانبول را توصیف کرده است:

«... بازی‌های آن از اسب‌بازی و بندبازی، مثل اروپا است. آدمی آمد به اشکال مختلف در روی دو چرخه حرکات می‌کرد و روی یک چرخه سوار شد و گاهی با دست معلق می‌شد و گاهی با پا می‌راند. مردم برای او دست زدند...»^۲

ینی چری، رسته نخبگان نظامی امپراتوری عثمانی بودند که در واپسین سال‌های قرن چهاردهم، بر پایه نظامی به نام «دوشی مه: پسران به خدمت گرفته شده» تشکیل شد.^۳ قراگوزلو موزه ینی چری استانبول را به تفصیل شرح داده است:

«ینکی چری، عبارت از اشخاصی بوده است که به میل طبیعی خود، داخل قشون می‌شدند و آنها را ینکی چریک می‌گفتند و کم‌کم قوه و استعداد یافته، به تغییر و تبدیل سلطنت اقتدار یافته و حل عقد امور مملکت به دست آنها افتاد و در این عمارت، مجسمه علما و امرا و صدراعظم و سایر اعظام طبقات آنها، با همان لباس‌های قدیم از موم ساخته‌اند.»^۴

کاغذخانه، مکان معروفی در شهر استانبول برای تفرج و هواخوری بوده است؛ منطقه‌ای سرسبز مملو از درختان صنوبر، سرو و چنار.^۵ حسام السلطنه، به تماشای آنجا رفته و از زیبایی آن به وجد آمده است.^۶

۱. ناصر السلطنه، سفرنامه مکه، به کوشش: رسول جعفریان، ص ۶۶۲.

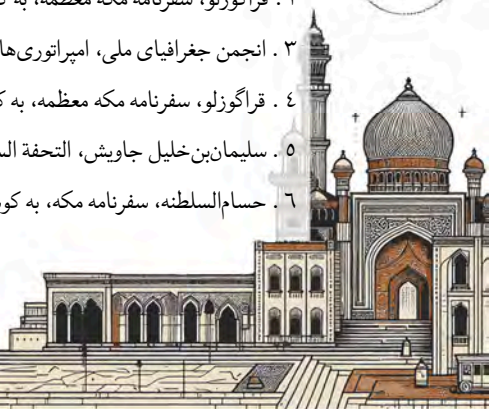
۲. قراگوزلو، سفرنامه مکه معظمه، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۷، ص ۱۹۹.

۳. انجمن جغرافیای ملی، امپراتوری‌های بزرگ تاریخ، ص ۳۴۲.

۴. قراگوزلو، سفرنامه مکه معظمه، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۷، ص ۱۹۳.

۵. سلیمان بن خلیل جاویش، التحفة السنیة فی تاریخ القسطنطنیة، ص ۳۱.

۶. حسام السلطنه، سفرنامه مکه، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۴، ص ۲۸۹.





حسینی طباطبایی تبریزی، در مصر از قوانینی که بر آن حاکم است، متعجب گردیده و چنین شرح داده است:

«اکثر قوانین و تنظیمات اینجا، مثل قوانین ممالک متمدنه اروپا است؛ مثلاً هر متولد و متوفی و عقد و نکاح را باید به مباشرین دیوانی اظهار دارند و تذکره بگیرند.»^۱
اغلب ایرانی‌ها که آن زمان پایشان به استانبول رسیده و حمام رفته‌اند، از وضعیت داخل آن شگفت‌زده شده‌اند؛ از پذیرایی‌های گرم، دمپایی چوبی، نظافت و سنگ مرمر و به‌خصوص شیرآب سرد و گرم که مانند آن ندیده‌اند. سیف‌الدوله توجه خاصی به حمام‌های استانبول داشته و امکانات آن را بادقت شرح داده است:

«قطیفه و اسباب حمام‌ها زیاده از حد تمیز، خدمتکارهای حمام مؤدب، اسباب قهوه و قلیان، اقسام شربت‌ها، هرچه بخواهند، موجود است؛ در نهایت تمیزی واقعی. در هیچ‌جا حمام و اسباب حمام، به این خوبی نخواهد بود.»^۲
فراهانی^۳ (م. ۱۳۳۱ق) در دومین سفر حج خود در ۱۳۰۲ق/۱۸۸۵م، در باره حمام‌های استانبول وصفی خواندنی نگاشته است:

«ابتدا که شخص حمام می‌رود، صحنی وسیع در محاذی زمین کوچه است و سقفی بلند منقش و سفید دارد و زمین این حمام، غالباً از سنگ مرمر است و زمین صفاها، حصیر فرش است. در آن صفاها، صندلی و نیمکت‌ها گذاشته، بر روی نیمکت‌ها حوله سفید کشیده‌اند که محلّ رخت بیرون آوردن است و هر نیمکتی، مخصوص یک نفر است.»^۴

رحمت‌الله بخارایی^۵ (م. ۱۳۱۱ق)، در اولین سفرش به حج در ۱۳۰۳ق/۱۸۸۶م به شرح کیفیت حمام استانبول پرداخته است:

«حمامات زیاده باصفا دارد که همه از سنگ مرمر سفید مصفا تعبیه نموده‌اند و در روشنی تا به حدی است که اگر سوزنی در یک طرف خانه از آن افتاده باشد، از طرف دیگر دیده می‌شود... آب جاری در آنجا می‌باشد و از کثافات چیزی در آن

۱. حسینی طباطبایی تبریزی، سفرنامه مکه، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۳، ص ۶۶۲.

۲. سیف‌الدوله، سفرنامه مکه، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۲، ص ۶۳.

۳. از کارگزاران دولتی قاجار بود.

۴. فراهانی، سفرنامه مکه، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۵، ص ۱۰۷.

۵. از عالمان سنی‌مذهب شهر بخارا.





دیده نمی‌شود. با وجود این همه صفا و لطافت در حمام‌های این شهر، هر لحظه جاروب حمام را می‌شویند؛ چنانچه در مدت دو ساعت که در آنجا بودم، چهار مرتبه حمام را شستند.^۱

میرزا ابوالحسن خان فخرالملک^۲ (م. ۱۳۰۵ ش)، در ۱۳۰۴/۱۳۸۷م در شهر وان به حمام رفته و از اینکه حمام خزینه نداشته و دارای شیرآب بوده، تعجب کرده و معتقد است که شیرآب، بیشتر آدم را نجس می‌کند.^۳ عبداللّه خان قراگوزلو، شرحی از حمام‌های استانبول در ۱۳۱۹/۱۹۰۱م داده است:

«وضع حمام اسلامبول، وضع مخصوص است؛ هیچ شباهتی به حمام‌های ایرانی ندارد... هر خلوتی، دو شیر دارد؛ یک شیر آب سرد، و یک شیر آب گرم. از هریک بخواهند، اندازه معتدل می‌ریزند... آنجا کفش چوبی است که میان آن مخمل یا ماهوت است، می‌پوشند... در میان حمام، تمام مردم از دلاک و غیره، با کفش چوبی راه می‌روند... بعد از پوشیدن لباس که بیرون آمدم، کسی جلو آمد، آینه‌ای به جلو گرفت. معلوم شد حمامی است و آینه را در جلو آدم می‌گیرد و پول حمام را روی آینه می‌اندازد. از این رسم، خوشم آمد. قانون خوبی است.»^۴

از جمله مسائلی که زائران بادقت به توضیح آن پرداخته‌اند، موضوع آب لوله‌کشی و تصفیه آن در شهرهاست. سیف‌الدوله سعی کرده بادقت تجهیزات و دستگاه‌های تصفیه آب در اسکندریه را وصف کند:

«عمارتی ساخته‌اند که تلمبه و اسباب آب‌کشی با چرخ آتشی کار می‌کند و از نهر آب بالا می‌رود. از زیرزمین به جهت محلات اسکندریه، نهرها قسمت شده، می‌رود. تفصیل این اسباب نمی‌توان به تحریر خالی کرد؛ باید دیده شود.»^۵

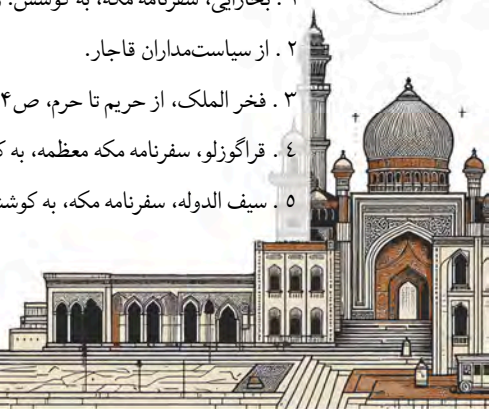
۱. بخارایی، سفرنامه مکه، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۴، ص ۹۳۴.

۲. از سیاست‌مداران قاجار.

۳. فخر الملک، از حریم تا حرم، ص ۳۴.

۴. قراگوزلو، سفرنامه مکه معظمه، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۷، ص ۱۹۷.

۵. سیف‌الدوله، سفرنامه مکه، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۳، ص ۷۰.





ملاابراهیم کازرونی^۱ (م. ۱۳۳۴ق) نیز اشاره کرده که در بیروت در تمام خانه‌ها و کاروان‌سراها، از لوله‌های آهنی آب می‌رود.^۲

مورد دیگری که در زمره تفاوت‌های مدنی ایران با دیگر کشورهای منطقه بود، سیستم آتش‌نشانی بود که در استانبول، سبب توجه زائران ایرانی و ارائه شرحی در باره آن شده است. میرزای تبریزی با دیدن ایستگاه آتش‌نشانی بر حیرت فرو می‌رود:

«... و دیگر عجایب، آن است که در یک طرف اسلامبول، یک مناره درست کرده‌اند که اسمش مناره یانقو است که زیاد مناره بلند است و اما قرار آن، این است که وقتی به هریک از محله‌های اسلامبول آتش افتاد، همان ساعت بر دیوانخانه خبر کرده، در روی آن مناره جایی دارد که آتش می‌گذارند که رنگارنگ دیده می‌شود. هر رنگش، نشانه یک محله است. هر رنگ که در سر مناره دیده شده، معلوم می‌شود در کدام محله آتش افتاده. همان ساعت تولونچی‌ها به آن محله می‌آیند و آتش را خاموش می‌کنند.»^۳

عبدالکریم سقزی مجدی نیز از یانقون دیدن کرده است:

«یانقین قلعه، بر فراز کوهی واقع شده. شب و روز قراول در آنجا دوربین شهر را نگاه می‌کنند. هر جا یانقین شده، مستحفظین چی‌های شهر را که بیست‌هزار نفر متجاوزند، با علامات مخصوصه اخبار می‌نمایند و آنها به اطفاء آتش می‌پردازند.»^۴

د. مواجهه زائران ایرانی با وجوه صنعتی تمدن جدید

مهم‌ترین صنایع مدرن در این مناطق از دید سفرنامه‌نویسان ایرانی، راه‌آهن، کشتی بخار، چراغ‌های گازسوز برای روشنایی در سطح شهر، آسیاب‌های بادی و تلمبه‌های آب بود. توصیف این صنایع و شیوه کارکرد آنها، یکی از امور مورد علاقه سفرنامه‌نویسان ایرانی بود؛ به طوری که بخش وسیعی از توصیف‌های آنها، به این امر اختصاص یافته است.

عبدالکریم سقزی، ادیب و شاعر اهل سنت، در تحلیل مشاهدات خود به لحاظ اجتماعی و تمدنی نگاه نافذی دارد. او تلاش می‌کند تا مظاهر تمدنی و تفاوت‌ها را بر اساس مشاهدات

۱. از علمای شیراز.

۲. کازرونی، سفرنامه مکه، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۶، ص ۲۳۸.

۳. یعقوب میرزا تبریزی، حج منصور، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۲، ص ۳۲۳.

۴. سقزی مجدی، سفرنامه مکه و عتبات، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۵، ص ۵۷۵.





خود شرح دهد. یکی از بهترین بخش‌های آن، بازدیدی است که از کارخانه کشتی‌سازی استانبول در ۱۳۰۵ق/۱۸۸۸م داشته و با اشتیاق آن را گزارش داده است:

«در این کارخانه‌جات، کشتی‌های بخار که بر روی دریا و زیر دریا می‌رود و انواع زورق و قایق و آلات کالسکه بخار و اسباب‌های دیگر می‌سازند، عجب عالی مشهود گشت. پس از گردش و تماشای زیاد که به جز حیرت نداشت، آمدم.»^۱

استفاده از کشتی و دیدن آن، از موارد مورد توجه زائران بوده است. صحنه انتقال آب به داخل کشتی نیز حیرت‌انگیز بوده است:

«طراده سربسته پای آن حاضر کردند از آن شهر و با تلمبه آب بالا دادند. آدم متحیر می‌شود که در شب تار و در دریای متلاطم، چطور به این آسانی این کارهای به این گرانی می‌کنند.»^۲

ناصرالسلطنه، مسیر استانبول را با یک کشتی مجهز فرانسوی طی کرده و امکانات آن را با تعجب بیان کرده است:

«این کشتی، دویست قدم طول دارد. پنجاه اتاق خواب در نمره اول است که هراتاقی دو تخت‌خواب دارد که همه، پتوهای تمیز و شمدهای پاک. هراتاقی شصت‌ویک چراغ الکتریک دارد و زنگ اخبار که هر وقت نوکری خواستند، دست‌زدن همانا، پیش‌خدمت بی‌درنگ داخل می‌شود. سفره‌خانه دارد که شصت صندلی دور میز اوست و سی چراغ الکتریک در آن سفره‌خانه روشن.»^۳

از تأسیس دولت قاجار که مقارن رودرویی جامعه سنتی ایران با مظاهر تمدن و پدیده‌های صنعتی اروپا بود، این وسایل دستخوش تحول و تکامل شد؛ به‌ویژه با راهیابی نیروی گاز و برق، اغلب وسایل روشنایی، یا از زندگی مردم به در شد و یا به ابزارهایی تزئینی بدل گشت.



۱. همان، ص ۵۷۴.

۲. موسوی اصفهانی، روزنامه سفر مشهد مکه عتبات، به کوشش: رسول جعفریان، ص ۳۶۷.

۳. ناصرالسلطنه، سفرنامه مکه - فرنگ ناصری، به کوشش: رسول جعفریان، ص ۶۴۹.





حسام السلطنه که آشنایی مختصری با مدنیت دارد، در گزارشی که در ۱۲۹۷ق/۱۸۸۰م از وضعیت کوچه‌های اسکندریه خاطرنشان کرده، در اغلب کوچه‌های اسکندریه چراغ گاز وجود داشته است.^۱ یعقوب میرزا^۲ (م. ۱۳۲۷ق) وقتی چراغ گاز را در کنار خیابان‌های استانبول می‌بیند، ضمن ارائه وصفی از آن می‌نویسد:

«این چراغ گاز را هم از عجایب روزگار می‌توان شمرد که چیزی است عجیب.»^۳

فقدان راه‌های مهم و جاده‌های مناسب در ایران، از جمله مشکلات زائران و مسافران بود. با توجه به این موضوع، کسانی که به سفر حج و عتبات عالیات مشرف شده‌اند تا حدود زیادی به وصف جزئیات راه‌ها پرداخته‌اند. آنها آگاهی‌هایی در باره فعالیت‌های عمرانی صورت گرفته در این باره، به دست داده‌اند که جالب توجه است. پیرزاده در مورد جاده بیروت تا شام اظهار نظر کرده:

«... از بیروت تا به شام را یک نفر از کمپانی‌های فرانسه شوسه نموده و در هر دو فرسخ، یک منزلگاه خوب ساخته که اسب‌های کالسکه را تغییر بدهند. الحق، راه را بسیار خوب صاف و مسطح نموده‌اند.»^۴

وضعیت راه‌های ایران، موجب طولانی شدن سفر زائران ایرانی بود. اگرچه مشکلات امنیتی بسیاری نیز در این راه‌ها به وجود می‌آمد، ولی اقداماتی در جهت عمران و سازندگی جاده‌ها انجام نمی‌شد. این در حالی بود که در روزنامه قانون وضعیت راه‌های ایران مورد انتقاد قرار گرفته بود:

«... راه‌های ما، بدتر از راه‌های حیوانات.»^۵

در بخشی از این سفرنامه‌ها، کم‌وبیش به توصیف پدیده‌هایی چون: دریا، طوفان، بیابان بی‌آب و علف، غروب ساحل و... پرداخته شده است. حسین‌خان مهاجرانی، از خوانین سرشناس همدان که سفرهای متعددی به عتبات عالیات داشته، اطلاعات جالب توجهی از

۱. حسام السلطنه، سفرنامه مکه، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۴، ص ۴۳.

۲. امیرزاده تبریزی.

۳. یعقوب میرزا تبریزی، حج منصور، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۲، ص ۳۲۲.

۴. پیرزاده، سفرنامه حاجی پیرزاده، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۲، ص ۲۱۵.

۵. روزنامه قانون، شعبان ۱۳۰۷ق، ش ۲، ص ۱.





وضعیت فرهنگی برخی سرزمین‌ها ارائه می‌دهد. او با دیدن مظاهر تمدن کشورهای دیگر، از بی‌نظمی و خرابی راه‌های ایران در ۱۳۲۲ق/ ۱۹۰۴م انتقاد کرده است:

«از یک طرف راه را پول گرفته و دادند به روس، نه آهن کردند، نه شوسه، هر طرف

جاده چوبی کشیدند و چند پل بستند و زنجیری کشیدند.»^۱

یکی از پدیده‌های جالب برای زائران، راه‌آهن بوده است؛ پدیده‌ای که در قرن نوزدهم سراسر اروپا را فراگرفت و به آرامی به سمت مشرق آمد. فکر ساخت راه‌آهن در ایران، از اوایل دوره ناصری توسط قدرت‌های استعمارگر خارجی مطرح شد؛ ولی موفق به احداث آن نشدند. ناصرالسلطنه، با دیدن راه آهن بیروت مبهوت مانده است:

«مهندسی که در اینجا به خرج مانده‌اند، عقل حیران است. راه را ماریچ بالا

آورده و از وسط خط راه، دندان‌ها از آهن کشیده‌اند که واقون‌ها به آن دندان‌ها افتاده،

بالا می‌رود که آنها قائم نگاه داشته، نمی‌گذارند در سربالایی عقبی‌ها سنگینی کرده،

پائین بکشند یا اینکه در سرپائینی از عقب زور آورده، پرت نمایند.»^۲

برخی از سیاحان ایرانی با مشاهده شهر از میر، علت ترقی و آبادی این شهر را راه‌آهن

دانسته‌اند و به وجود تراموایی که در از میر توسط کمپانی فرانسه احداث شده، اشاره کرده‌اند.^۳

حفر تونل و تسهیل عبور و مرور، از دیگر مظاهر تمدنی مورد توجه ایرانیان بوده است:

«... از جمله مخترعات در سمت بیک اوغلی، تونل است که در سنه ۱۲۹۰ بنا

شده که به جهت تسهیل تردد، بهترین راه است...»^۴

برخی ابزار و وسایل مکانیکی نیز از پدیده‌های جالب توجهی بود که زائران در اثنای سفر،

برای اولین بار با آن روبه‌رو می‌شدند. سیف‌الدوله، گزارشی از وجود جرثقیل‌هایی که در سوئز

برای حمل و نقل کالاهای تجاری بوده، ارائه داده است.^۵ دستگاه جرثقیل داخل کشتی، از

سوی برخی از ایرانیان چنین توصیف شده است:

«بار زیادی پای کشتی آورده‌اند. این چرخ اگر هزار من بار بخواهند بالا آورند،

به‌سهولت بالا می‌آورند. همان زنجیرش را می‌گویند صد خروار است. آن‌که پشت

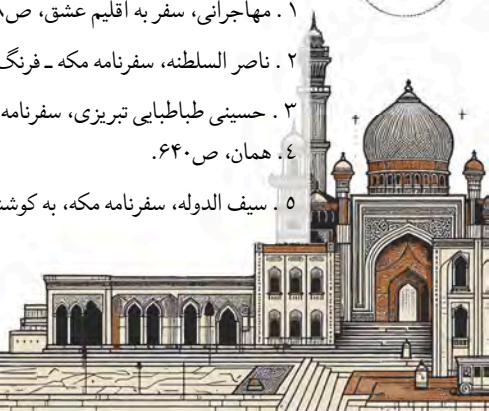
۱. مهاجرانی، سفر به اقلیم عشق، ص ۲۷۸.

۲. ناصر السلطنه، سفرنامه مکه - فرنگ ناصری، به کوشش: رسول جعفریان، ص ۷۷۳.

۳. حسینی طباطبایی تبریزی، سفرنامه مکه، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۳، ص ۳۱۳.

۴. همان، ص ۶۴۰.

۵. سیف‌الدوله، سفرنامه مکه، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۵، ص ۵۶۷.





چرخ ایستاده، قطعه آهنی از چرخ به دست دارد. اندک حرکتی می‌دهد؛ این چرخ به این عظیمی، به گردش می‌آید و هر قدر بار باشد، به آسانی بالا می‌برد.»^۱

برخی از سفرنامه‌نویسان ایرانی همچون یعقوب میرزای تبریزی، با دیدن آسیاب بادی در استانبول به فکر ایجاد آن در ایران می‌افتند. این فناوری گرچه به صورت سنتی در ایران وجود داشته، اما با این حجم از کار و تکنولوژی، کمتر در ایران شناخته شده بود. البته این آرزو با جملاتی مایوسانه خاتمه می‌یافته است:

«کاری که آسیاب بادی می‌کند، این هم کار به انجام می‌رساند. با سهل و آسانی می‌توان به ایران آورد که با این جزئی چیزی می‌توان ایران را قدری آباد کرد؛ ولیکن چه چاره که هیچ‌کس در فکر آبادی ایران نیست.»^۲

از دیگر مظاهر صنعتی، صنایعی چون پنکه بود که ناصرالسلطنه از آن در خانه شریف مکه گزارش کرده است:

«در اتاق امیر، چیزی مثل دم آهنگری درست شده، از پشت صندلی گذاشته، چرخ می‌دهند و از سوراخی که دارد و مقابل سر انسان پهلوی صندلی می‌ایستد، به او خنکی می‌آید که به نسیم ییلاقات می‌ماند و چند نفر مواظب این خدمت هستند، به نوبه، دم را چرخ می‌دهند.»^۳

ابزار آلات صنعتی، از دیگر وجوه صنعتی تمدن بود که مورد توجه برخی از ایرانیان قرار گرفته است؛ به‌عنوان نمونه، یعقوب میرزای تبریزی وجود اژه برقی در استانبول را چنین توصیف کرده است:

«آن اسباب که از برای چوب بریدن درست کرده‌اند که با زور بخار با دو نفر آدم در یک ساعت می‌تواند کار بیست نفر آدم در ده روز که در بیست و چهار ساعت همیشه مشغول بریدن چوب باشند، این در یک ساعت تمام کند. خلاصه، چه عرض کنم که گوش‌کن نیست که در این سفر، چه صنعت‌ها دیدیم و افسوس زیاد بر حالت خودمان خوردیم؛ ولیکن چه کنم که دست من کوتاه و خرما بر نخیل.»

۱. موسوی اصفهانی، روزنامه سفر مشهد مکه عتبات، به کوشش: رسول جعفریان، ص ۳۶۷.

۲. همان، ص ۳۳۳.

۳. ناصرالسلطنه، سفرنامه مکه - فرنگ ناصری، به کوشش: رسول جعفریان، ص ۷۳۴.





در اینجا نیز نویسنده از عدم وجود این صنایع و ابزارآلات در ایران، اظهار تأسف کرده است.^۱ به جز مظاهر جدید صنعتی، برخی نهادهای اقتصادی نیز مورد توجه سفرنامه‌نویسان ایرانی قرار گرفته است؛ به‌عنوان نمونه، امین‌الدوله در اسکندریه با دیدن ساختمان بورس، تأسف خورده که بورس در ایران وجود ندارد و مردم ایران با بورس آشنا نیستند.^۲

تحلیل مواجهه سفرنامه‌نویسان ایرانی با تمدن جدید

با توجه به مطالب نگاشته‌شده، می‌توان گفت دولتمردان قاجاری، تنها به نقد اوضاع ایران می‌پرداختند و درعمل، گامی برای تغییر وضعیت آن برنداشتند. سریع‌القلم، شرح‌حال چنین افرادی را این‌گونه توصیف می‌کند:

«ایرانی‌ها حاضر نیستند مسئولیت کارهای خود را بپذیرند و در پی عوامل بیرونی و انداختن مسئولیت به دوش دیگران هستند. کمتر ایرانی پیدا می‌شود که وقتی به ریشه‌یابی یک مشکل می‌پردازد، برای خود نیز در سرزنش و نقد و انتقاد، وزن و جایگاهی قائل باشد.»^۳

سفرنامه‌نویسان در مواجهه با صنایع مهم غربی، تنها حیرت‌زده شده و به توصیف آنها می‌پرداختند. درواقع، می‌توان گفت:

«سفرنامه‌نویسی، با نوعی حیرت آغاز شد و با حیرت اندر حیرت، به پایان رسید.»^۴

سفرنامه‌نویسان، از راه مقایسه جامعه ایران با جوامع دیگر، به بسیاری از حقایق جامعه خود پی برده، آنها را در سفرنامه‌هایشان انعکاس داده‌اند. عقب‌ماندگی ایران در علوم و صنایع مدرن و حمایت نکردن حکومت و کارگزاران حکومتی از تغییرات، مهم‌ترین موانع پیشرفت انعکاس‌یافته در سفرنامه‌های این عصر است. شرح دستاوردهای تمدنی و مشاهده آنها برای سیاست‌مداران آن زمان که قادر به فهم مبانی معرفتی آن نبودند، در حد دیدن ظواهر شکل گرفت و تنها در بین تعداد اندکی از آنها که تمایل به اصلاحاتی داشتند، به‌صورت تقلید از

۱. یعقوب میرزا تبریزی، حج منصور، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۲، ص ۳۳۳.

۲. امین‌الدوله، سفرنامه مکه، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۶، ص ۴۰۴.

۳. سریع‌القلم، اقتدارگرایی ایرانی در عصر قاجار، ص ۱۳۲.

۴. طباطبایی، تأملی در باره ایران، ج ۲، ص ۵۲۴.





این ظواهر باقی ماند. در بین سفرنامه‌نویسان ایرانی، به موارد اندکی برمی‌خوریم که سطح روایت‌گری به مقایسه نزدیک می‌شود؛ ولی این مقایسه به مرحله مطالبه‌گری تبدیل نمی‌شود و در شکل احساس و اندوه باقی می‌ماند و به تدریج زمینه‌های پیدایش حس غبطه و حسرت نسبت به نظم و آبادانی دیگر کشورها بین زائران ایرانی پدید آمده است. در نوشته‌های آنان، گاه به مواردی از ستایش کشورهای توسعه‌یافته و نکوهش کشور خود برخورد می‌کنیم.

یعقوب میرزا، حاکمیت را سبب عقب‌ماندگی ایران می‌دانست. او معتقد بود که حاکمیت، نقش حیاتی در پیشرفت و توسعه کشور دارد. فرهاد میرزا، از جمله نادر دولتمردانی است که از مشاهده و مقایسه، فراتر رفته و به فکر کنش‌گری می‌افتد. از این‌رو، با مشاهده آسیاب بادی، این اندیشه در ذهنش خطور می‌کند که شخصاً اقدام کرده و این صنعت را به کشورش منتقل کند. بنابراین، از یک نفر در روسیه درخواست کرده که شکل آسیاب بادی را بکشد تا از روی آن در تهران بسازند. نمونه دیگری از دولتمردان اصلاح‌گرا، می‌توان از یعقوب میرزا تبریزی نام برد که با دیدن دستگاه تلمبه آب در استانبول، درصدد برمی‌آید که این تکنولوژی را به ایران بیاورد:

«زیاد جهد و تلاش کردیم که یک نفر از استادان تلمبه پیش خود نگاه داریم، موجب گرفته و با ما به تبریز بیاید، نشد؛ ولی خیال بر این محکم کردیم که بعد از برگشتن، ان‌شاءالله نمونه‌ای از تلمبه درست کرده، به تبریز ببریم.»^۱

هرگونه تلاش برای انتقال تکنولوژی جدید، صرفاً از طریق افراد و نه حاکمیت، امکان‌پذیر بود؛ چراکه سامانی در حاکمیت نبود. با توجه به استبدادی بودن قدرت در عهد قاجار، یعقوب میرزا آگاه بود که برای انتقال صنایع مدرن به کشور، حامی وجود ندارد. یکی از مشکلاتی که جامعه قاجار با آن دست‌به‌گریبان بود، نبود قانون در کشور یا بی‌قانونی بود. قانون، در حرف شاه خلاصه می‌شد. اگرچه در دوره‌های آخر، قانون اساسی و مجلس نمایندگان به وجود آمد، ولی ساختار استبدادی در فرهنگ ما ریشه دوانیده بود. در روزنامه قانون به این موضوع اشاره شده است:

«... ایران، مملو است از نعمات خداداد. چیزی که همه این نعمات را

باطل گذاشته، نبودن قانون است...»^۲

۱. یعقوب میرزا تبریزی، حج منصور، به کوشش: رسول جعفریان، ج ۲، ص ۳۲۴.

۲. روزنامه قانون، شعبان ۱۳۰۷ق، ش ۲، ص ۱.





نتیجه

موانع پیشرفت جامعه عصر قاجار، از دید سفرنامه‌های رجال عصر قاجار، از راه مقایسه وضعیت دو جامعه ایران و سایر جوامع به دست می‌آید. مهم‌ترین مشکلات جامعه ایران از منظر سفرنامه‌نویسان قاجاری، نبود صنایع مدرن غربی برای به‌کار انداختن اقتصاد کشور و آسایش مردم، و همچنین حمایت نکردن حکومت از مردم ایران در عرصه‌های مختلف عنوان شده است. آنها با انعکاس هریک از این مشکلات و بررسی علل شکل‌گیری چنین مسائلی، سهم مهمی در آگاه‌سازی هم‌عصران خویش داشتند.

افرادی که در دوره قاجار از طریق استانبول و مصر به زیارت حج و عتبات عالیات رفته‌اند، با خروج از ایران با تجربیات بسیاری از دنیای مدرن و جدید برخورد کرده و برای آنان سبب شگفتی شده است. زائران در مواجهه با مظاهر تمدن جدید، به مقایسه وضعیت در ایران و دنیای مدرن می‌پرداختند و ضمن اظهار حیرت و تعجب از مظاهر تجدد و ستایش از آن، در اندیشه انتقال این تمدن به ایران می‌افتادند. آنها با شور و شوق خاصی به وصف اوضاع و احوال سرزمین‌ها و جزئیات آنها پرداخته، در عین حال، از وضعیتی که بر ایران حکمفرما بود، افسوس می‌خوردند. دولتمردان قاجار نیز با وجود آنکه دستاوردهای مدنیت جدید را مشاهده کردند، نتوانستند راهکارهای موفق‌تری را اتخاذ نمایند.

به‌راستی شیوه مواجهه زائران ایرانی با مظاهر تمدنی جدید که در حین سفر به آنها برمی‌خوردند، به نوع و گونه‌ای روایت می‌شد که خواننده متن را به یاد کتاب‌هایی می‌اندازد تحت عنوان عجایب‌نامه که در قرون وسطی نگاشته می‌شد. این نوشته‌ها صرفاً به رویه و سطح ظاهر محدود می‌شد و قوه تعقل را به تکاپو وا نمی‌داشت. زائران ایرانی که در این پژوهش به گزارش‌های آنها پرداختیم، با وجود آنکه چندین دهه زمانی را پوشش می‌دهند، اما نوع مواجهه آنها تغییری نکرده و به جز مواردی که آرزوی انتقال آنها به ایران را داشته‌اند، اتفاق مؤثری را موجب نشده‌اند. آنان در بیشتر موارد، در پی انتقال مصداق بوده و از دانش و زیرساخت‌های این پیشرفت‌ها غافل بوده‌اند. از این‌رو، سرزده و عوامانه و بدون شناخت و آگاهی با مظاهر تمدنی جدید، صرفاً به مقایسه در سطح انجامیده است و به تعقل در زیرساخت‌های عملی و نظری همچون مبانی معرفت‌شناختی آن و یا انتقال دانش و تکنولوژی به شکل مؤثر، منجر نشده است.





منابع

- آصاف، یوسف بک، ۱۹۹۵م، تاریخ سلاطین بنی عثمان من أول نشأتهم حتی الآن، قاهره: مکتب مدبولی.
- افشارارومی، میرزا عبدالحسین خان، ۱۳۸۹، پنجاه سفرنامه حج قاجاری (سفرنامه مکه ۱۲۹۹ق)، جلد ۴، به کوشش: رسول جعفریان، تهران: علم.
- الکیلانی، جمال‌الدین فالح و العمیدی، زیادحمد، ۲۰۱۳م، تاریخ الدولة العثمانیة و رجال و حوادث، مغرب: نشر المنظمة المغربية للتربية والثقافة والعلوم.
- امین‌الدوله، میرزا علی خان، ۱۳۸۹، پنجاه سفرنامه حج قاجاری (سفرنامه مکه ۱۳۱۶ق)، جلد ۶، به کوشش: رسول جعفریان، تهران: علم.
- انجمن جغرافیای ملی، ۱۳۹۴، امپراتوری‌های بزرگ تاریخ، مترجم: فهیمه حصارکی، تهران: انتشارات جویا.
- اهری، نقیب‌الاشرف، ۱۳۹۲، چهارده سفرنامه حج قاجاری دیگر (سفرنامه مکه ۱۳۲۸ق)، به کوشش: رسول جعفریان، تهران: علم.
- بامداد، مهدی، ۱۳۶۳، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، جلد ۱، تهران: زوار.
- بخارایی، رحمت‌الله، ۱۳۸۹، پنجاه سفرنامه حج قاجاری (سفرنامه مکه ۱۳۰۳ق)، جلد ۴، محقق: رسول جعفریان، تهران: علم.
- پورحسین، نیایش، ۱۳۹۰، «تماشاخانه دارالفنونی؛ نخستین تماشاخانه جدید به سبک فرنگستان»، نشریه تئاتر، شماره ۴.
- پیرزاده، محمدعلی بن محمداسماعیل، ۱۳۴۲، سفرنامه حاجی پیرزاده، جلد ۲، محقق: حافظ فرمان‌فرمایان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- تبریزی، یعقوب میرزا، ۱۳۸۹، پنجاه سفرنامه حج قاجاری (حج منصور ۱۲۸۵ق)، به کوشش: رسول جعفریان، جلد ۲، تهران: علم.
- تکابی، سلیم خان، ۱۳۸۹، پنجاه سفرنامه حج قاجاری (حج نامه ۱۳۱۰ق)، به کوشش: رسول جعفریان، جلد ۶، تهران: علم.
- جاویش، سلیمان بن خلیل، ۲۰۱۴م، التحفة السنیة فی تاریخ القسطنطنیة، قاهره: نشر هنداوی.
- حداد، رضا، ۲۰۱۷م، صفحات من تاریخ الدولة العثمانیة، اسکندریه: نشر دار الکتب والدراسات العربیة.
- حسام‌السلطنه، حاجی سلطان، ۱۳۸۹، پنجاه سفرنامه حج قاجاری (سفرنامه مکه ۱۲۹۷ق)، به کوشش: رسول جعفریان، جلد ۴، تهران: علم.
- رئیس‌الذکرین، ۱۳۸۹، پنجاه سفرنامه حج قاجاری (سفرنامه حج ۱۳۱۹ق)، جلد ۷، به کوشش: رسول جعفریان، تهران: علم.
- سریع‌القلم، محمود، ۱۳۹۰، اقتدارگرایی ایرانی در عصر قاجار، تهران: فروزان.





- سعیدیان، عبدالحسین، ۱۳۸۵، دائرة المعارف شهرهای جهان، تهران: نشر علم و زندگی.
- سقزی مجدی، عبدالکریم، ۱۳۸۹، پنجاه سفرنامه حج قاجاری (سفرنامه مکه و عتبات ۱۳۰۵ق)، به کوشش: رسول جعفریان، جلد ۵، تهران: علم.
- سیف‌الدوله، سلطان محمد، ۱۳۸۹، پنجاه سفرنامه حج قاجاری (سفرنامه مکه ۱۲۰۸ق)، به کوشش: رسول جعفریان، جلد ۵، تهران: علم.
- طباطبایی، جواد، ۱۴۰۱، تأملی درباره ایران، جلد ۲، تهران: مینوی خرد.
- طباطبایی تبریزی، سید محمدرضا، ۱۳۸۹، پنجاه سفرنامه حج قاجاری (سفرنامه مکه ۱۲۹۶ق)، به کوشش: رسول جعفریان، جلد ۳، تهران: علم.
- طباطبایی دیبا، ناصرالسلطنه، ۱۳۸۹، پنجاه سفرنامه حج قاجاری (سفرنامه مکه - فرنگ ناصری ۱۳۱۷ق)، به کوشش: رسول جعفریان، جلد ۵، تهران: علم.
- علوی کرمانی، ۱۳۸۹، پنجاه سفرنامه حج قاجاری (روزنامه سفر حج، عتبات و دربار ناصری ۱۳۰۹ق)، به کوشش: رسول جعفریان، جلد ۵، تهران: علم.
- فخرالملک، ابوالحسن خان، ۱۳۷۲، از حریم تا حرم، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- فراهانی، میرزا حسین، ۱۳۸۹، پنجاه سفرنامه حج قاجاری (سفرنامه مکه ۱۳۰۲ق)، به کوشش: رسول جعفریان، جلد ۵، تهران: علم.
- فلور، ویلم، تاریخ کاغذ در ایران، ترجمه: صبا کارخیران، تهران: ایران‌شناسی.
- قراگوزلو، عبدالله خان، ۱۳۸۹، پنجاه سفرنامه حج قاجاری (سفرنامه مکه معظمه ۱۳۱۹ق)، به کوشش: رسول جعفریان، جلد ۷، تهران: علم.
- قانون، سال ۱۳۰۷، شماره ۱.
- قانون، سال ۱۳۰۷، شماره ۲.
- کازرونی، ملا ابراهیم، ۱۳۸۹، پنجاه سفرنامه حج قاجاری (سفرنامه مکه ۱۳۱۵ق)، جلد ۵، به کوشش: رسول جعفریان، تهران: علم.
- محبوبی اردکانی، حسین، ۱۳۷۰، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، جلد ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مدیرالدوله، میرزا محمودخان، ۱۳۸۹، پنجاه سفرنامه حج قاجاری (تفصیل سفر مکه معظمه)، جلد ۷، به کوشش: رسول جعفریان، تهران: علم.
- معمدالدوله، فرهادمیرزا، ۱۳۸۹، پنجاه سفرنامه حج قاجاری (سفرنامه مکه ۱۲۹۲ق)، به کوشش: رسول جعفریان، جلد ۳، تهران: علم.
- موسوی اصفهانی، میرزا حسن، ۱۳۹۲، چهارده سفرنامه حج قاجاری دیگر (روزنامه سفر مشهد، مکه، عتبات)، محقق: رسول جعفریان، تهران: انتشارات مشعر.





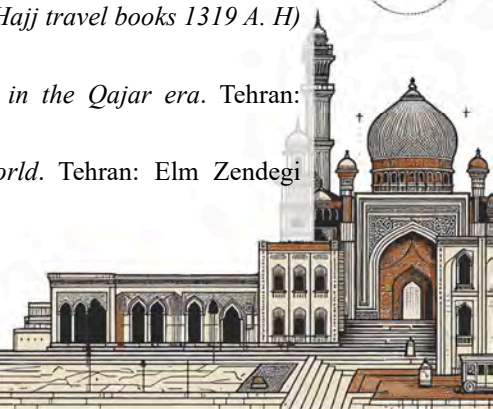
- [مؤلف ناشناخته]، ۱۳۸۹، پنجاه سفرنامه حج قاجاری (سفرنامه عتبات و حج ۱۳۱۷ق)، جلد ۶،
محقق: رسول جعفریان، تهران: نشر علم.
- مهاجرانی، میرزا حسین خان، ۱۳۹۳، سفر به اقلیم عشق، محقق: سید خلیل طاوسی، قم: نشر مجمع ذخائر اسلامی.
- وزیروظایف، میرزا داود، ۱۳۸۹، پنجاه سفرنامه حج قاجاری (سفرنامه مکه ۱۳۲۲ق)، جلد ۷، تهران: علم.





References

- Asef, Y. B. (1995). *History of Bani Osman sultans from the beginning to the present*. Cairo: Madbouli School.
- Afshar Arumi, M. A. H. (2010). *Fifty Qajar Hajj travel books (Mecca travel book 1299 AH)* (Vol. 4, Ed. Rasul Jafarian). Tehran: Elm.
- Al-Kilani, J. F., & Al-Amidi, Z. (2013). *History of the Ottoman State and Men and Events*. Maghreb: Organization for Education, Culture and Science.
- Amin al-Dowleh, M. A. (2010). *Fifty Qajar Hajj travel books (Mecca travel book 1316 AH)* (Vol. 6, Ed. Rasul Jafarian). Tehran: Elm.
- National Geography Association. (2014). *Great Empires of History* (Fahima Hesaraki, Trans.). Tehran: Joya Publications.
- Ahri, N. A. (2013). *Fourteen other Qajar Haj travelogues (travelogue of Mecca 1328 A. H)* (Ed. Rasul Jafarian). Tehran: Elm.
- Bammad, M. (1984). *Biography of the nobles of Iran in the 12th, 13th and 14th centuries of Hijri* (Vol. 1). Tehran: Zavar.
- Bokharai, R. (2010). *Fifty Qajar Haj travel books (Travel book of Mecca 1303 A. H)* (Vol. 4, Ed. Rasul Jafarian). Tehran: Elm.
- Pourhossein, N. (2011). "Dar al-Fanuni Theater; The first new theater in the style of Farangestan." *Teatar Journal*, No. 4.
- Pirzadeh, M. A. I. M. I. (1963). *Haji Pirzadeh's travel book* (Vol. 2, Ed. Hafez Farman farmaiyan). Tehran: Tehran University Publications.
- Tabrizi, Y. M. (2010). *Fifty Qajar travelogues of Hajj (Hajj of Mansour 1285 A. H)* (Ed. Rasul Jafarian, Vol. 2). Tehran: Elm.
- Takabi, S. (2010). *Fifty Qajar Hajj travel books (Hajj Name 1310 A. H)* (Ed. Rasul Jafarian, Vol. 6). Tehran: Elm.
- Javaish, S. I. Kh. (2014). *Al-Tohfat al-sunniyah in the history of Constantinople*. Cairo: Handawi Publications.
- Haddad, R. (2017). *Pages of the history of the Ottoman Empire*. Alexandria: Dar al-Kotob va al-Derasat al-Arabiyah.
- Hossam al-Saltaneh, H. S. (2010). *Fifty Qajar Hajj travelogues (Mecca travelogue 1297 A. H)* (Ed. Rasul Jafarian, Vol. 4). Tehran: Elm.
- Rais al-Zakerin. (2009). *Fifty Qajar Hajj travel books (Hajj travel books 1319 A. H)* (Vol. 7, Ed. Rasul Jafarian). Tehran: Elm.
- Saree-al-Qalam, M. (2013). *Iranian authoritarianism in the Qajar era*. Tehran: Foruzan.
- Saidian, A. H. (2006). *Encyclopedia of cities of World*. Tehran: Elm Zendegi Publications.





- Saqzai Majdi, A. K. (2010). *Fifty travelogues of Qajar Hajj (Travelogue of Mecca and Sacred Threshold 1305 A. H)* (Ed. Rasul Jafarian, Vol. 5). Tehran: Elm.
- Saif al-Doulah, S. M. (2010). *Fifty Qajar Hajj travel books (Mecca travel book 1208 AH)* (Ed. Rasul Jafarian, Vol. 5). Tehran: Elm.
- Tabatabaei, J. (1980). *Reflections on Iran* (Vol. 2). Tehran: Minovi Kherad.
- Tabatabaei Tabrizi, S. M. R. (2010). *Fifty travelogues of Hajj Qajar (Travelogue of Mecca 1296 AH)* (Ed. Rasul Jafarian, Vol. 3). Tehran: Elm.
- Tabatabaei Diba, N. S. (2010). *Fifty Qajar Hajj travelogues (Mecca - Farang Naseri travelogue 1317 AH)* (Ed. Rasul Jafarian, Vol. 5). Tehran: Elm.
- Alavi Kermani. (2010). *Fifty Qajar Hajj travel journals (Journal of Hajj Travels, Sacred Threshold and Naseri Court 1309 A. H)* (Ed. Rasul Jafarian, Vol. 5). Tehran: Elm.
- Fakhr al-Molk, A. (1993). *From Harim to Haram*. Tehran: National Records Organization of Iran.
- Farahani, M. (2010). *Fifty Qajar Hajj travelogues (travelogue of Mecca 1302 A. H)* (Ed. Rasul Jafarian, Vol. 5). Tehran: Elm.
- Flor, W. (n.d.). *History of paper in Iran* (Saba Karkhiran, Trans.). Tehran: Iranology.
- Qaragozlu, A. (2010). *Fifty Qajar Hajj travelogues (Travelogue of Mecca 1319 A. H)* (Ed. Rasul Jafarian, Vol. 7). Tehran: Elm.
- Law. (1928). *No. 1*.
- Law. (1928). *No. 2*.
- Kazaruni, M. E. (2010). *Fifty Qajar Hajj travel books (Mecca travel book 1315 A. H)* (Vol. 5, Ed. Rasul Jafarian). Tehran: Elm.
- Mehboubi Ardakani, H. (1991). *History of new civilization institutes in Iran* (Vol. 1). Tehran: Tehran University Publications.
- Madir al-Dawlah, M. M. (2009). *Fifty Qajar Hajj Travelogues (Details of the journey to Mecca)* (Vol. 7, Ed. Rasul Jafarian). Tehran: Elm.
- Motamedal Doulah, F. M. (2010). *Fifty Qajar Hajj travelogues (travelogue of Mecca in 1292 A. H)* (Ed. Rasul Jafarian, Vol. 3). Tehran: Elm.
- Mousavi Esfahani, M. (2013). *Fourteen other Qajar Hajj travelogues (newspaper of travel to Mashhad, Mecca, Atbat)* (Ed. Rasul Jafarian). Tehran: Mashaar Publications.
- Author unknown. (2010). *Fifty Qajar Hajj travel books (Atbat and Hajj travel books 1317 A. H)* (Vol. 6, Ed. Rasul Jafarian). Tehran: Elm.





Mohajerani, M. H. (2013). *Journey to the region of love* (Ed. Seyyed Khalil Tavusi). Qom: Assembly of Islamic Resources.

Vazir-Uzaif, M. D. (2019). *Fifty Qajar Hajj travel books (Mecca travel book 1322 A. H)* (Vol. 7). Tehran: Elm.

